



آی کنت اسپیک گود فارسی!

داریم دور خودمان می چرخیم، برویم رستوران شام بخوریم یا یک سیب زمینی تنوری ای چیزی دم خیابان بخوریم. ولی خب همه از مضرات شام سنگین آگاهییم. به ویژه هزینه سنگینی که به ما تحمیل می کند! سیب زمینی تنوری و پنبیری و مکزیکی و... با اسم های من درآوردی هم که خودش واسم هایش سمی است! پس گفتیم یا بستنی بخوریم یا یک نوشابه. این ها هم شکر دارند که مضر است. پس برویم از آبخوری مدرسه یک آب خنکی بخوریم. جگرمان حال بیاید. ولی خب تا بخواهیم قفل و زنجیر آن را باز کنیم، ممکن است بابای مدرسه به هوای اینکه داریم آب سردکن را می دزدیم، چوبی حواله مغزمان کند، درحالی که دستمان در حال تقلا برای درآوردن لیوان فلزی لای میله های آب سردکن گیر کرده است! همان بهتر که برویم خانه. هیچ جاب خانه خود آدم نمی شود. به شرط اینکه در تصمیم گیری بین پرداخت قبض آب و برق و گاز با پول محدودی که باقی مانده است. قبض آب تسویه شده باشد! (پایان)

آخر هفته که می شود، برای نحوه گذراندن اوقات فراغت نمی توانیم تصمیم بگیریم. یک بار تا دوراهی طبقه-شانیز داشتیم بحث می کردیم که کجا برویم. ولی نمی توانستیم با تفاوت فرهنگی طبقه با محله خودمان و تفاوت قیمت شیشلیک شانیز با اشکنه خانه خودمان کنار بیاییم! پس در دوراهی دور زدیم.

گفتیم برویم پارک آبی یا باغ گل ها. پارک آبی و استخر که هیچ وقت وضعیت فرهنگی خوبی نداشته! در باغ گل ها هم که توجه آدم به گل ها جلب نمی شود! پس گفتیم برویم سینما یا موزه. فیلم های سینمایی که کمربند فرهنگی ما هستند، شل و وارفته شده اند و آدم با خانواده، چس فیل (با همین اسم!) بخورد، بهتر از آن است که این فیلم ها به خوردش برود! خانه خودمان هم که موزه است! چون با این تورم، سال هاست که نمی توانیم چیزی را (حتی خودمان را!) عوض کنیم. (همچنین عتیقه هایی شده ایم ما!) تازه موزه هم برویم، چیزی سرد نمی آوریم. از آلمان های تاریخی همین شهر خودمان کسی سؤالی پرسد، پاسخ می دهیم: آی کنت اسپیک گود فارسی!



پس گفتیم برویم پارک یا شهر بازی. خب پارک که مملو است از ساقیانی حافظ نخوانده! که به جز دلستر، قره قوروت هم سرو می کنند! شهر بازی، به ویژه فان فار هم که آن قدر تحریم ها را برای تعویض قطعات دور زده که پیچ هایش شل شده و هر آن ممکن است بچرخد و بچرخد و بچرخد و کمانه کند این طرف و آن طرف!

خلاصه گفتیم حالا که دیروقت شده است و از صبح تا الان (و حتی قبل تر!)

صفحه ۷
۱۹ آبان ۱۴۰۳
شماره ۱۱۹

فیروز کریمی: منصوریان می تواند رئیس جمهور شود، به شرطی که اول مدرک دیپلمش را بگیرد. (خبر آنلاین)

<p>دکتر ملکی: ما قول می دهیم به بهنام تشکر بگوییم دکتر افشار، به شرطی که سروش صحت قول بدهد در همه سریال هایش این نقش را جا ندهد.</p>	<p>قالیباف: ظریف می تواند در دولت مسئولیت بگیرد، به شرطی که قول بدهد هیچ وقت قهر نکنند.</p>	<p>سایه: کیفیت خودروهایمان را می توانیم افزایش دهیم، به شرطی که مردم برای همین خودروهای بی کیفیت صف نکشند</p>	<p>مهدی تاج: کارلوس کی روش می تواند دوباره سرمربی تیم ملی شود، بدون هیچ شرطی.</p>	<p>اصغر فرهادی: ایرج ملکی می توانست برنده جایزه اسکار شود، به شرطی که در برنامه اسکار مهران مدیری شرکت می کرد.</p>
--	---	---	---	--